حدود آزادی بیان در اسلام

پدید آورنده : سیّد حسین اسحاقی ، صفحه 18

اشاره

از مطالب گذشته روشن شد که اسلام، آزادی بیان و قلم را برای همگان در جامعه اسلامی پذیرفته، ولی حدود و مقرراتی برای آن مشخص کرده است. این محدودیت ها و شرایط، بیش از آن که مقرراتی دست و پاگیر و سانسوری تحمل ناپذیر باشد، دستور العمل هایی است در جهت استفاده بهتر از آزادی، که در صورت عدم رعایت آن، نه تنها آزادی همگان در جامعه تحقق پیدا نمی کند که به مقوله ضد ارزش تبدیل خواهد گردید و هرج و مرج فرهنگی ایجاد خواهد شد. مهمترین محدودیت هایی که در این زمینه وجود دارد، عبارتند از:

الف) ممنوعیت توهین به مقدسات

یکی از مطالبی که در مقام بیان عقیده و فکر می بایست رعایت گردد، خودداری از توهین به مقدسات اسلامی است. اساسا، اهانت به مقدسات دیگران و برخورد غیرمنطقی، نه تنها کمکی در اثبات مدعا و مطلب نخواهد کرد که موجب تنفر و انزجار خواهد شد و عکس العمل طرف مقابل را نیز بر می انگیزد و چنین عملی در هیچ شرایطی، از کسی پذیرفته نیست.

قرآن مسلمانان را از اهانت به مقدسات دیگران بر حذر داشته و می فرماید:

کسانی که دعوت به غیرخداوند می کنند (کفار) را دشنام ندهید؛ زیرا آنها نیز همین کار را با خدای شما خواهند کرد.

حضرت علی علیه السلام وقتی در جنگ صفین شنید که یارانش شامیان را دشنام می دهند، فرمود:

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را بیان و حالات آنان را بازگو می کردید به سخن راست نزدیک تر و عذرپذیرتر بود. خوب بود به جای دشنام آنان می گفتید: خدایا! خون ما و آن ها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن تا آنان که جاهلند حق را بشناسند و آنان که با حق می ستیزند پشیمان شده به حق باز گردند.

خود آن حضرت نیز اجازه توهین به مقدسات اسلامی را تحت هیچ عنوانی، تحمل نمی کرد و برای توهین کننده به مقدسات اسلامی مجازات های شدیدی در نظر می گرفت.

ب) ممنوعیت هتک افراد

باید در قلم و بیان، عرض و آبروی انسان ها حفظ گردد و آزادی بیان را وسیله ای برای هتک شخصیت های محترم و بدگویی از یکدیگر قرار ندهند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اَذَلَّ النّاسِ مَنْ اَهانَ النّاسَ.»؛ «خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار بدارد».

در روایت دیگر آمده است:

کسی که چیزی را نقل می کند و قصدش تحقیر و کوباندن شخصیت افراد و ساقط کردن آنها از چشم مردم باشد خداوند او را از ولایت خود به طرف ولایت شیطان بیرون خواهد ساخت.

بنابراین، آبروی مسلمان دارای احترام است و یکی از وظایف مردم پاسداری از آن است.

پیامبر گرامی اسلام در این باره می فرماید:

هر کس پرده ای از روی آبروی برادر خود بردارد پرده هایی از آتش او را فرا می گیرد.

در روایت دیگر آمده است:

اخلاق مؤمن از بزرگی و عظمت و توانایی های خداوند است پس تمسخر اخلاق مؤمن یا رد گفتار او رد خداوند است.

شایان ذکر است که حرمت توهین به اشخاص اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه اهانت کافر ذمی نیز ممنوع و حرام است.

از همه این دستورات بر می آید که آزادی بیان محدود به حفظ کرامت، آبرو و حیثیت افراد است.

ج) ممنوعیت افشای اسرار و شایعه پراکنی

هر نظامی دارای اسراری است که بر کتمان و مستور ماندن آن از دید نامحرمان و نااهلان می کوشد و آن کس که مبادرت به افشا و کشف آن نماید خائن محسوب می شود و آزادی بیان از وی سلب می گردد.

نظام اسلامی نیز، از این برنامه جدا نبوده و دارای اسراری است که هیچ کس آزاد نیست به نشر و افشای آن بپردازد.

قرآن کریم از پخش اطلاعات امنیتی مسلمانان صریحا نهی نموده و انتشار اسرار نظام اسلامی و مسلمانان را، گرچه به داعیه دلسوزی باشد، به عنوان خیانت تلقّی کرده و مردم را از خیانت به خدا و رسول، که در اینجا یکی از مصادیق بارزش همان افشای اسرار اسلام می باشد، بر حذر داشته است:

ای مؤمنان به خداوند و پیامبرش خیانت نورزید.

همچنین قرآن کریم مردمانی که اخبار و اطلاعات را، بدون تحقیق و بررسی، در جامعه منتشر ساخته و اعتماد عمومی را متزلزل می سازند، نکوهش کرده و خواستار ارجاع شایعات و اخبار به صاحب نظران و آگاهان گردیده است:

هنگامی که خبری از پیروزی و شکست به آنها برسد، بدون تحقیق آن را شایع می سازند و اگر آن را به پیامبر و پیشوایان، ارجاع دهند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد.

آبرو و حیثیت نظام اسلامی نیز از مسائلی است که باید از تعرض دشمنان محفوظ بماند. در هتک حیثیت نظام، که در مواردی به هتک حرمت اسلام بر می گردد، هیچ کس آزاد نیست.

امام خمینی قدس سره فرموده اند:

«تذکر خوب است، اما های و هوی خوب نیست... ما باید در فکر اسلام باشیم... باید فکر بکنید که اگر صحبتی بر خلاف باشد، که یک وقت، خدای نخواسته، به حیثیت جمهوری اسلامی صدمه بزند، ازش جلوگیری کنید. خودتان را بازدارید...در عین حالی که باید همه جا مناقشه باشد، لکن مناقشات طلبگی و مناقشات علمی...»

اما نکته ای که می بایست مورد دقت قرار بگیرد این که، مرز بین خیرخواهی و توطئه و مرز بین اموری که مربوط به حیثیت، اسرار نظام و انتشار آن، مایه ضعف و سستی نظام است با اموری که نشر آن موجب آگاهی مردم و تقویت نظام می گردد، مرزی است دقیق که می بایست به درستی تشریح گردد؛ چه بسا اشتباه بین این دو، گاه، خسارت بزرگی به بار آورده است و شخصیتهایی هتک شده اند.

د) ممنوعیت توطئه

از محدودیت های دیگر آزادی بیان و بلکه سایر آزادی ها و حقوق سیاسی و اجتماعی، آن است که هیچ شهروندی در زیر لوای نشر، تبلیغ افکار، مکتب و حزب، اغراض سیاسی فاسد را دنبال نکند و هوای براندازی را در سر نپروراند و گرنه، نظام اسلامی مجاز خواهد بود که از نظر و آزادی بیان این گونه افراد، جلوگیری کند. این مسئله است که محتاج به استدلال نیست و همه عقلا بر این مطلب هم داستانند و در تمام کشورهای مدعی دموکراسی نیز این قاعده اعمال می شود.

ماجرای تخریب «مسجد ضرار» و سوزاندن آن توسط پیامبر، بر این مبتنی بود که گروهی، با اهداف توطئه گرانه، قصد داشتند از مسجد، کمینگاهی برای کفار و نقطه نفوذی برای بیگانگان فراهم آورند.

آنان که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه بین مؤمنان و کمین گاهی برای آنانی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده اند، آنان سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی نداشته ایم ؛ اما خداوند گواهی می دهد که آنان دروغگو هستند.

نکته مهم در سلب آزادی آنان، همان به کار گرفتن روش منافقانه و تزویری بود که از سوی عده ای به ظاهر مسلمان، به وقوع پیوسته بود.

به همین دلیل است که امام خمینی قدس سره ، خطاب به آن عده از روشنفکران که به سبب سلب آزادی انتشار روزنامه ای متخلف فریاد بر آورده اند، فرمود:

یک روزنامه ای، که بر خلاف مقاصد ملت و مقاصد اسلام است و بی اذن هم منتشر می شده، جلویش گرفته می شود، یک دفعه می بینیم در روزنامه، آن طایفه از روشنفکران، شروع می کنند به اعتراض که خیر، خوب، قلم آزاد است؛ اما هر قلمی و بیانی آزاد است؟ اما هر بیان؟ یک بیان است که مملکت را به دامن ابرقدرت ها می اندازد. آیا این بیان آزاد است؟ باز هم بگوییم که شما آزادید به واسطه کلمه آزادی؟! باید حدود آزادی، آن چیزی باشد که ملت می خواهد، نه این که بر خلاف ملت... آزادی موازین دارد.

ه) ممنوعیت سرپیچی از مقررات و تعهدات

از موانع و حدود دیگر آزادی های سیاسی و آزادی بیان، سرپیچی از مقررات جامعه اسلامی و قراردادهای نظام اسلامی، برای غیر مسلمانان است.

نظام اسلامی، می بایست در مقابل تعهدات، جان، مال و آزادی بیان و مذهب را برای اقلیت ها حفظ کند و آنان نیز ملزم به انجام وظایف و تعهدات خود هستند، و در صورت وفای به پیمان،حق آزادی بیان، تبلیغ مذهب و انتشار کتاب را دارند و گرنه، حکومت اسلامی حق دارد از اعطای آزادی به آنان خودداری کند.

بسیاری از این شرایط، ثابت و دائمی است که همیشه باید مراعات گردد؛ مانند عدم مصرف مسکرات و گوشت خوک در اماکن عمومی و عدم ازدواج با زنان مسلمان و عدم جاسوسی برای دشمنان و... برخی نیز تابع شرایط و قراردادهایی است که حکومت اسلامی بر طبق مصالح طرفین، در ازمنه مختلف، با اقلیت های کشور اسلامی و دولت های دیگر، می بندد.

دین اسلام اصل آزادی بیان را می پذیرد، اما محدودیت های طبیعی آن را به رسمیت می شناسد. البته این تنها عالمان اسلامی نیستند که مواردی را از موضوع آزادی بیان استثنا کرده اند، بلکه عالمان غربی نیز در مواردی به محدودیت آزادی بیان اقرار کرده اند. از باب نمونه، اسپینوزا در «رساله مذهبی سیاسی» خود می گوید:

«شهروندان می توانند حق داوری کردن و بیان آشکار داوری های خویش را به شرط آن که معارض با صلح نباشد حفظ کنند.»

دانشمندان اسلامی معتقدند:

«آزادی بیان در دیدگاه اسلام همراه با سفارش ها و توصیه هایی است که از این ها کشف می شود هر آزادی بیان که به ضرر مادی یا معنوی انسانی، مورد بهره برداری قرار بگیرد، آزادی نامعقول خواهد بود».

از دیدگاه قرآن مجید نیز نمی توان هر غذای فکری را به جامعه تزریق کرد؛ زیرا پیامدهای شومی در دنیا و آخرت به همراه دارد.

«إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفاحِشَةُ فِی الَّذِینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ فِی الدُّنْیا وَ الآْخِرَةِ»

کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است.

آیه فوق صریحا دلالت دارد بر این که رواج فساد و فحشا به هرشکلی در جامعه ممنوع است.

اساسا در اسلام اصل بر آزادی - از جمله آزادی ابراز عقیده - است مگر دلیلی، خلاف آن را اثبات کند. حدود آزادی ابراز عقیده در مجامع علمی با مجامع عمومی متفاوت است.

الف) در مجامع علمی، در چارچوب ضوابط علمی (عرف رایج اهل علم) ابراز عقیده آزاد است و هیچ منع دینی ندارد. به این معنا که ابراز عقیده غیراسلامی و نقد آرای اسلامی در مجامع علمی و در حضور عالمان دین آزاد است. این آزادی ابراز عقیده در مجامع علمی حاکی از قوت، متانت و استحکام اندیشه اسلامی در مواجهه با دیگر آرا و اندیشه هاست. در مجامع علمی تنها محدودیت آزادی ابراز عقیده، ضوابط علمی است.

ب) در مجامع عمومی، ابراز عقیده آزاد است با رعایت قیودی. دو قید ابراز عقیده در مجامع عمومی عبارتند از:

1ـ عدم ترویج، تبلیغ و اشاعه آرای منافی اسلام.

2ـ عدم تمسخر و تحریف آرای اسلامی.

واضح است که قیود یاد شده متناسب با میزان بلوغ جوامع دینی از سوی عالمان بصیر دین در شرایط خاص زمانی و مکانی تعیین می شوند. ابراز عقاید مغایر (نه منافی) اسلام - بدون تبلیغ و تمسخر و تحریف - با رعایت ضوابط در جامعه اسلامی آزاد است؛ به عنوان مثال اهل کتاب همواره در ابراز عقاید خود در جوامع اسلامی آزاد بوده اند.

بنابراین، آزادی بیان در حقیقت زیر مجموعه آزادی اجتماعی و سیاسی است. این آزادی در اسلام ارزش ها و مبانی خاصی دارد، که ساختار آن را روشن می سازد. مقام معظم رهبری می گویند:

«همین آزادی اجتماعی که این قدر در اسلام ارزش دارد، اگر در خدمت ضایع کردن فراورده های ارزشمند معنوی یا مادی یک ملت به کار گرفته شود مضر است... ارزشها و حقایق ثابت مسلم این آزادی را محدود می کند.»

در مقابل، روسو متفکر فرانسوی می گوید:

همه افراد بشر مساوی آفریده شده اند... کسی که از آزادی صرف نظر کند از مقام آدمیت، از حقوق و حتی از وظایف بشری صرف نظر نموده و هیچ چیزی نمی تواند این خسارت را جبران نماید... طبیعت، انسان را آزاد آفریده، ولی جامعه او را بنده گردانیده است. طبیعت، انسان را خوشبخت ایجاد کرده ولی جامعه او را بدبخت و بیچاره نموده است.

طرفداران آزادی مطلق از این غافلند که در آدمی نه تنها عقل بلکه هواهای نفسانی نیز وجود دارد که می تواند همچون طوفان، بنیاد برافکن باشد. در اسلام، به آزادی بیان اهتمام جدی، و اهمیت فراوان داده شده است. هرکسی آزاد است هرچه را که اندیشیده بیان کند، مگر آن که مخالف با مبانی و مقدسات باشد. حال آیا طبق رهیافت های دینی و اسلامی، هر نوع بیانی می تواند آزاد باشد، یا این که آزادی در بیان نیز همچون دو نوع آزادی دیگر، قید خورده و محدودیت می پذیرد؟ پاسخ روشن است که آزادی بیان را نیز مسائل زیر محدود می سازد:

1ـ بیان موجب هدم شخصیت دیگران شود:

«وَ لا تَقْفُ ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُوءادَ کُلُّ أُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْوءُلاً»

از آنچه به آن آگاهی نداری پیروی مکن؛ چه آنکه گوش و چشم و دل همه مسئولند.

بدین سان کسی حق ندارد به بهانه آزادی بیان، به شخصیت های محترم، و مقدس متعرض شود.

2ـ آزادی بیان، به هدم، سستی و اهانت به عقیده های مورد احترام و مقدس ملتی نینجامد. هر چند ممکن است پاره ای از اظهارات بی پایه و سخن پراکنی ها، سبب جذب عده ای ناآگاه نیز بشود، اما هرگز نمی توان عقاید ملتی بزرگ را مورد حمله وتاخت و تاز قرار داد و جریانی فکری و مقدس را در هم شکست.

«چه بسا انسان ها که در جهالت غوطه ور می شوند و چه ارزش ها و اصول عالی انسانی که تباه می گردد! برای چه؟ برای این که نویسنده یا گوینده گریبان مردم را بگیرد و به شدت تکان بدهد و آنها را به سوی خودش متوجه سازد. آیا شست و شوی مغزی مردم جامعه، به بهای خودنمایی انسانی که می خواهد خویشتن را مطرح کند، مساوی نابودی معنوی مردم آن جامعه نیست که یک انسان مطلق در بیان، انجام می دهد؟»

3ـ بیانات، دروغ و مبالغه آمیز نباشد. ترویج دروغ و شایعات در جامعه، فتنه گری است و کسانی که بر مبنای تمایلات جناحی، فرقه ای، گروهی و شخصی در حق جریان ها، اجتماعات و شخصیت ها از این حربه استفاده کنند، محکوم هستند.

«فاجعه این است که از آن هنگام که آزادی مطلق بیان در جوامع تجویز شد، هر کس هر چه به ذهنش آمد آن را از راه زبان و قلم و بیان بیرون ریخت؛ درست است که در میان امور بیان شده حقایقی نیز وجود داشت، ولی آن قدر مطالبی احمقانه و خود محورانه بیرون آمد و به مغزهای مردم سراسر دنیا سرازیر شد که رنگ اکثر قریب به اتفاق حقایق انسانی و اصول ارزشی ناشی از هستی شناسی مات شد.»

در اندیشه اسلامی، آزادی بیان بدین معناست که هر کس آنچه می خواهد بگوید، درست و سنجیده باشد؛ صحیح، باطل، زشت و زیبا را با هم در نیامیزد.

«آیا می توان از آزادی مطلق بیان، بدون هیچ قید و شرطی، دفاع نمود و آن را برای هر کسی و در هر محیط و شرایطی تجویز کرد؟ آری! می توان ولی یک شرط دارد و آن این است که صاحبان این نظریه، نخست قهوه خانه ها و سینماها و میکده ها و قمارخانه ها و همه اماکن عمومی و خصوصی از کودکستان ها و دبستان ها و دبیرستان ها و خیابان ها و وسائل نقلیه و هر یک از خانه های شخصی مردم را دانشکده ها و آکادمی هایی تلقی کنند که تمام انسان های روی زمین را در خود جای داده است، سپس هر چه به ذهنشان خطور می کند بگویند! واقعا جای شگفتی است که این گونه مطلق گویی ها را از کسانی می شنویم که به تفکر و فراوانی معلومات مشهور شده اند.»

در قانون اساسی ما، حدی معقول و منطقی برای آزادی بیان در نظر گرفته شده است:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلامی و حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.»

در این اصل، دو مبنا برای آزادی بیان در نظر گرفته شده و به همان دو مبنا محدود گردیده است:

1ـ مبنای اسلامی؛ آزادی بیان نباید با اندیشه های اسلامی تضاد داشته باشد.

2ـ با حقوق عمومی در تضاد نباشد و سبب نابودی حقوق افراد و جمعیت ها و... نگردد.

«در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.»

پی نوشتها:

1. سوره انعام (6) آیه 108.

2. نهج البلاغه، خطبه 206.

3. علامه مجلسی، پیشین، ج 72، ص 143.

4. همان، ص 168.

5. همان، ج 75، ص 253.

6. همان، ج 72، ص 142.

7. سوره انفال (8) آیه 27.

8. سوره نساء (4) آیه 83.

9. امام خمینی قدس سره ، صحیفه نور، سخنرانی 26/2/59.

10. سوره توبه (9) آیه 107.

11. امام خمینی قدس سره ، پیشین.

12. ژولی سادا ژاندرون، تساهل، ترجمه عباس باقری، ص 166.

13. محمدتقی جعفری، حقوق جهانی بشر، ص 408.

14. سوره نور (24) آیه 19.

15. سخنرانی در دانشگاه تربیت مدرس، کیهان، 14/6/77.

16. روسو، مقدمه قرارداد اجتماعی، صص 13 و 16.

17. سوره اسراء (17) آیه 36.

18. آزادی از دیدگاه علامه جعفری، کیهان فرهنگی، ش 154، مرداد 78، ص 19.

19. همان، ص 23.

20. همان، ص 20.

21. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل 24.

22. همان، اصل 175.